

ادامه از صفحه ۶

خطا در «روشی» یا «منشی»

یعنی حدود ۱۲درصد افزایش در تعداد پرسنل بنابراین آن افزایش سه‌برابری در هزینه‌های پرسنلی به حدود ۲/۴ برابر می‌رسد که نزدیک به میزان افزایش در حداقل دستمزد است. یعنی ارایه ارقام به‌صورت کلی و بدون توجه کارشناسانه به آن‌که با فرض خوشبینانه نشان از عدم‌دقت در محاسبات می‌دهد؛ عدم‌دقتی که می‌تواند فضای ارتباطی سازمان با مخاطبان خود را ملتهب سازد. گرچه به باور نگارنده مخاطبان سازمان هوشمندتر و مبرتر از اینگونه برداشت‌ها هستند. البته در برخی موارد نیز گفته شده است که به نظر می‌رسد بررسی آنها و برخورد با این موارد جزو خواسته‌های حرفه‌ای و اصلی پرسنل این سازمان نیز است.
مواردی از قبیل پشاداش ۴۰۰میلیونی که نکات اصلی را در اینجا می‌توان پیگیری کرد. در ضمن آنکه در این خصوص باید پرداختی‌های سال‌های گذشته به مسوولان و نهادهای مختلف که معایر با قانون بوده یا دخالت‌های ایشان در عزل‌ونصب‌ها و معرفی نیروها در این ارتباط نیز به‌تبع چنین پاداش‌هایی می‌تواند حایز اهمیت باشد. شاید بد نباشد به آغاز شکل‌گیری این نگاه به تأمین‌اجتماعی نیز اشاره‌ای شود. بحث تحقیق‌وتفحص، که به باور نگارنده بحث درستی است، از زمان تغییرات در اسانسانه این سازمان در سال ۱۳۸۷ شکل گرفت. زمانی که دولت به‌واسطه نگاه‌های خاص خود به منابع تأمین‌اجتماعی سعی در هرچه‌دولتی‌کردن این سازمان کرد. به‌گونه‌ای که استقلال اداری این سازمان به‌کلی در اسانسانه سال ۱۳۸۹ حذف شد. در این زمان تعاملات ناقص و مساله‌دار بین دولت و مجلس و رویکردهای سیاسی خاص نیز دامن این سازمان اجتماعی را گرفت و پرچم سفید آن را لکه‌دار کرد. واقع امر آن است که سازمانی مانند سازمان تأمین‌اجتماعی باید دارای شفاف‌ترین عملکرد در حوزه‌های مختلف باشد. چراکه پیشگیری جدی از تخلف برای به‌حداقل‌رساندن خطاهای عمدی و سهوی در چنین سازمانی جز با نظارت افکار عمومی و مطبوعات چندان قرین به واقع نیستند. به نظر می‌رسد این گزارش هم در روش دارای خطابت و هم در منشی و با این خطاها، اصلاح امور با کندی صورت می‌پذیرد.

حکم اعدام دومین محیط‌بان «دنا» هم تأیید شد

شرق، صدرا محقق:حکم اعدام غلامحسین خالدی، دومین محیط‌بان زندانی منطقه حفاظت‌شده دنا توسط قضات پرونده او تأیید شد. او روز یکشنبه از زندان مرکزی یاسوج مرکز استان کهگیلویهوبویرویراحمد در تماس با مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در امور محیط طبیعی این خبر را اعلام کرد. این در حالی است که به گفته خالدی و همسرش آنها منتظر آزادی یا مرخصی بودند. اسماعیل کهرم، مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در امور محیط طبیعی در همین رابطه به «شرق» گفت: «روز یکشنبه غلامحسین خالدی از زندان مرکزی یاسوج به من زنگ زد و گفت که به‌همراه وکلای پرونده‌اش به دادگاه رفته بود. تصور او و ما در سازمان محیط‌زیست این بود که با توجه به ادله و مدارک موجود حکم قتل غیرعمد برایش صادر می‌شود، یکی از دلایلی که از سوسی ما قلمه شد این بود که خالدی به طرف شکارچی تیراندازی نکرده بود و تیراندازی او در جهت دیگری بود. با این حال قاضی پرونده مجدداً حکم اعدام را صادر کرده است.» کهرم البته در ادامه ابراز امیدواری کرد: «اگر چ‌ما با شنیدن این خبر خیلی مایوس شدیم، اما این را پایان کار نمی‌دانیم و همچنان امیدواریم که با دلایلی که از طرف وکلای پرونده ارایه شده است در دیوانعالی کشور حکم نقض شود. نماینده قضایی و دفتر حقوقی ما نیز چنین امیدی دارند» مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در پاسخ به این پرسش که اقدامات حقوقی شما از این به‌بعد چه خواهد بود نیز گفت: «ما هنوز به‌لحاظ حقوقی می‌توانیم یکسری کارها را در پیش بگیریم، از طریق این راهکارها در حال پیگیری هستیم که به‌عنوان مثال تجدیدنظر دادرسی یکی از این اقدامات است. مساله دیگر این است که ما رضایت خانواده مقتول را کسب کنیم، امیدهایی هست که احتمال رضایت‌دادن وجود دارد»

کهرم همچنین در رابطه با وضعیت اسعد تقی‌زاده، دیگر محیط‌بان زندانی محکوم به اعدام منطقه حفاظت‌شده دنا نیز گفت: «تقی‌زاده هم در زندان بلا تکلیف مانده است، خانواده مقتول منتظر حکم استیذان درباره اعدام هستند. ما امیدواریم در آن مرحله بتوانیم رضایت این خانواده را نیز برای جلوگیری از اعدام کسب کنیم»به غیر از غلامحسین خالدی که حالا سه‌سالو پنج‌ماه است در زندان به‌سر می‌برد، اسعد تقی‌زاده دیگر محیط‌بان منطقه حفاظت‌شده دنا نیز هم‌اکنون حدود پنج‌سال است که در همین زندان در آستانه اعدام قرار دارد. هر دو این محیط‌بانان در درگیری با شکارچیان غیرمجاز وارد شده به منطقه حفاظت‌شده دنا که منجر به قتل دو شکارچی شده بود به زندان افتاده‌اند. این دو نفر در حالی به اعدام محکوم شده‌اند که مجوز حمل سلاح به‌عنوان ضابط قضایی و حکم مأموریت از سازمان محیط‌زیست برای مقابله با شکارچیان مسلح را در اختیار داشتند. با این حال شکاف‌های قانونی موجود در این عرصه به بازداشت و صدور حکم اعدام برای آنها منجر شده است.

بعد از دو حکم اعدامی که برای محیط‌بانان دنا صادرشده، شکار در منطقه افزایش یافته است؛ این در حالی است که محیط‌بانان به‌دلیل ترس از کشته‌شدن به دست شکارچیان، با اعدام‌شدن پس از قتل شکارچیان غیرمجاز، دیگر رغبتی به محیط‌بانی ندارند و این در شرایطی است که بنا به استناد اطلاعات محیط‌بانان دنا به سه‌سال گذشته چندهزار کل و بز در

غلامحسین خالدی مانند اسعد تقی‌زاده در آستانه مرگ

حکم اعدام دومین محیط‌بان «دنا» هم تأیید شد



غلامحسین خالدی در سمن استان

دنا شکار شده و جمعیت شکار روزبه‌روز در حال کاهش است. حکم اعدام این دو محیط‌بان از سوی دادگاه کیفری استان کهگیلویهوبویرویراحمد صادر شده است، دو سال پیش حکم اعدام تقی‌زاده تأیید شد که با مخالفت افکارعمومی، دوستداران محیط‌زیست و واکنش رسانه‌ها همراه شد. حکم خالدی نیز تاکنون در مرحله تجدیدنظر بوده و حالا خبر تأیید آن به دستش داده شد. به اعتقاد کارشناس حقوقی، صدور چنین احکامی از سوی قضات

اسماعیل کهرم، مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در امور محیط طبیعی: اگر چ‌ما با شنیدن این خبر خیلی مایوس شدیم، اما این را پایان کار نمی‌دانیم و همچنان امیدواریم که با دلایلی که از طرف وکلای پرونده ارایه شده است در دیوانعالی کشور حکم نقض شود. نماینده قضایی و دفتر حقوقی ما نیز چنین امیدی دارند

به این دلیل است که آنها معتقدند: «محیط‌بانان ضابط دادگستری نیستند و چون ضابط نیستند، نمی‌توانند از اسلحه استفاده کنند» در حالی که قانون گارد حفاظت محیط‌زیست می‌گوید: «مأموران و محیط‌بانان ضابط قضایی محسوب می‌شوند و به همین دایل مجوز حمل سلاح دارند.»غلامحسین خالدی، محیط‌بان محکوم به اعدام منطقه حفاظت‌شده دنا که تاکنون با کورسویی از امید در زندان به‌سر می‌برد حالا با تأیید حکم اعدام همه امیدش را از دست داده است. او دوماه پیش پس از انتخاب معصومه ابتکار، به‌عنوان رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست با ابراز خشنودی از این انتخاب با نوشتن نام‌ای به ابتکار درخواست کمک کرده بود. خالدی در این نامه نوشته بود: «من «غلامحسین خالدی» فرزند علی زمان، ساکن روستایی میمند از توابع بخش پاتاوه شهرستان دنا (استان

حکم اعدام دومین محیط‌بان «دنا» هم تأیید شد

کهگیلویهوبویرویراحمد) محیط‌بان منطقه حفاظت‌شده دنا از تاریخ ۲۵تیرماه سال ۱۳۸۹ تاکنون به اتهام قتل مرحوم «محمد پایه‌گذار» در زندان مرکزی شهر یاسوج با قرار موقت بازداشت هستم. من در زندانم و از حقوق دریافتی خانواده‌ام و همچنین خانواده پدری‌ام امرار معاش می‌کنم. به علت بازداشت مشکلات شدید خانواده‌گی برایم پیش آمده: همسرم دچار ناراحتی قلبی شده و از ناحیه اعصاب درد و رنج می‌برد.»نازنین» دخترم کلاس اول راهنمایی است، برای مدرسه‌اش هیچ‌کاری نتوانسته‌ام انجام بدهم، حتی در طول سال شاید سه‌بار آن هم ۱۰دقیقه او را دیدم‌ام. جهت اطلاع شما و مردم شریف ایران عرض می‌کنم، در انجام مأموریت به‌همراه سمنفر از همکارانم به ار تفاعات دنا اعزام شدیم. یکی از شکارچیان به‌طور ناخواسته در برگیری میان مأموران و شکارچیان که چهارنفر بودند، به قتل رسید.. نظر به اینکه حاضرم در هر محکمه‌ای که صلاح بدانید، سوگند یاد کنم نقشی در قتل مرحوم نداشته‌ام و اگر هم‌کاران نزد مرجع امنیتی - قانونی بازجویی می‌شدند اثبات می‌شد که چگونه و در چه شرایطی به قتل رسیده است. هیچ دلیل و مدرکی و حتی اقرار هیچ فردی که بتواند اتهام را به اینجانب نسبت دهد در پرونده که هم‌اکنون در دادگاه کیفری می‌باشد، وجود ندارد و حسب شایکت اولیای‌دم علیه اینجانب در زندان بوده و محکوم شده‌ام.

دادگاه کیفری...کم به قصاص بنده داده‌اند که البته شعبه محترم ۲۷ دیوانعالی کشور به ایرادات دوصفحه‌ای بر قضاوت قضات، دادگاه کیفری قصاص را نقض کرده و پرونده را جهت رسیدگی مجدد و اثبات بیگناهی اینجانب به همان شعبه صادرکننده رای محکومیت قصاص اعاده کرده است. بنابراین به استحضار می‌رساند، مشکلات شدید خانوادگی، نظیر نداشتن هیچ سرپناهی برای خانواده‌ام و بلا تکلیفی و اضطراب ناشی از زندان سه‌ماهه، افسردگی شدیدی را برایم به‌وجود آورده و بیش از این تحمل این چهاردیواری و فشارهای عصبی و روحی و روانی را ندارم.

متأسفانه کم‌کاری مدیرکل اداره حفاظت محیط‌زیست استان کهگیلویهوبویرویراحمد و سهل‌انگاری نمایندگان حقوقی سازمان در طول این سه‌سال‌ونیم، باعث شده که حقوق اینجانب ضایع و در مدت بازداشت یعنی سه‌وسال‌وچهارماه بلا تکلیف باشم، می‌خواهم به شما و هم‌کاران و هموطنان دیگر هم بگویم یکی از هم‌کاران دیگرم به نام اسعد تقی‌زاده حدود پنج‌سال‌ونیم است در این زندان تحمل حبس می‌کند و با تمام فشارهای رسانه‌ای به هر نهادهی که مراجعه کرده‌اند، با همه وعده مدیران استانی و کشوری تاکنون نتیجه‌ای عاید ایشان نشده است. تقاضا دارم ترتیبی اتخاذ شود تا مثل اسعد تقی‌زاده فروامش نشوم و عمر و جوانی‌ام در زندان و یا به ناقح بر چوب‌دار تباه نشود و بتوانم به آغوش خانواده‌ام برگردم.»

نام خالدی به ابتکار اگرچه دوماه پیش منتشر شد اما مسوولان سازمان حفاظت محیط‌زیست تاکنون واکنشی به آن نشان نداده‌اند. حالا با تأیید حکم اعدام این‌ محیط‌بان او یک گام دیگر به چوبه‌دار و خداحافظی با زندگی نزدیک‌تر شده است. اگرچه خالدی در نامه‌اش به ابتکار ابراز امیدواری کرده بود به سرنوشت اسعد تقی‌زاده که پنج‌سال‌ونیم است در زندان به‌سر می‌برد دچار نشود، اما گویا شرایط دست‌به‌دست هم داده تا سرنوشت او را به سمت سرانجامی تلخ‌تر سوق بدهد.

تغییر روسای دانشگاه‌ها ادامه دارد

زمزمه برکناری فرهاد رهبر از ریاست دانشگاه تهران

مشکل از استادان این دانشگاه برای معرفی گزینه‌های ریاست این دانشگاه به فرجی‌دانا دارد. یک روز پس از پیچیدن خبر عزل فرهاد رهبر، او طی احکام جداگانه‌ای روسای دو دانشکده دانشگاه تهران را منصوب کرده است. رئیس دانشگاه تهران طی حکمی دکتر طهمورت حسینیپور، دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران را به‌عنوان رئیس این دانشکده و دکتر مهدی حدادی را به سمت ریاست دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران منصوب کرده است. فرهاد رهبر ساعاتی پس از انتشار خبر برکناری‌اش، میزبان محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کابینه یازدهم بود و یک روز پس از آن نیز در حالی با انتصاب رئیس دو دانشکده دست به تغییرات مدیریتی در دانشگاه تهران زده که برخی رسانه‌ها از برکناری او پس از ۱۶ آخر خبر می‌دهند.

البته این نخستین‌بار نیست که زمزمه‌های عزل فرهاد رهبر از ریاست دانشگاه تهران به گوش می‌رسد. در آخرین روزهای سال گذشته نیز محمود احمدی‌نژاد در نامه‌ای به کامران دانشجو، وزیر علوم خواستار عزل فرهاد رهبر شده بود. او در این نامه رویکرد فرهاد رهبر در دانشگاه تهران را «سیاست‌زده» و «غیرعلمی» و «احیاناً امنیتی» خوانده بود. هرچند در ادامه کامران دانشجو به حمایت از ریاست فرهاد رهبر پرداخت؛ ریاستی که از بهمن ۸۸ تاکنون ادامه دارد و در لحاظ دوره زمانی، باثبات‌ترین دوره ریاست دانشگاهی پس از انقلاب بوده است. اگر دوران ریاست فرهاد رهبر را در دانشگاه تهران مرور کنیم وقایع کوی پس از انتخابات ۸۸ و نصب گیت‌های بازرسی در تمام درهای ورودی، پرحاشیه‌ترین رخدادها در زمان ریاست او بود که انتقادهای زیادی را برانگیخت. فرهاد رهبر در این شش‌سال، اغلب سکوت کرده و از پاسخ دادن به سوالات و حتی تغییر و تحول خودداری کرده است و مدیریتی بی‌حاشیه - به باور هواداران و خنثی به عقیده منتقدان- در پیش گرفته است. شاید مهم‌ترین دیالوگ وی در این مدت بیان جمله «من مامور ویژه نیستم» بود که در پاسخ به انتقادهای مبنی بر امنیتی کردن فضای دانشگاه مطرح می‌شد.

در دو سال اخیر هم البته خیلی وقت‌ها وزیر علوم در معرض این پرسش‌ش رسانه‌ها قرار گرفت که مدت اعتبار حکم فرهاد رهبر از شورایعالی انقلاب فرهنگی چه زمانی به اتمام می‌رسد و وزیر در مواجهه با این پرسش، سکوت می‌کرد. حالا باید دید زمزمه‌های خداحافظی فرهاد رهبر از دانشگاه تهران رنگ واقعیت می‌گیرد یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، فرجی‌دانا چه گزینه‌ای را ریاست دانشگاهی انتخاب می‌کند که خود زمانی رئیس آن بود.

نگاه

ابعاد واقعی جفا بر فردوسی و توس

سعید سادات‌نیا

● یادداشت دوست دیرنیم، آیدین آغاشلور، در روزنامه «شرق» ۲۸ آبان در مورد جفا بر فردوسی و توس، مرا به‌دلیل بیش از ۱۰سال درگیربودن در تهیه طرح آمایش منطقه تاریخی- فرهنگی توس، انجام مطالعات تفصیلی و تهیه طرح احیا و باززنده‌سازی شهر تاریخی توس و نیز روستاهای پیرامون آن، بر آن داشت تا تکلم‌ای بر نوشته طبق معمول موشگافانه و جسورانه او بنویسم. باروی شهر توس کامل‌ترین باروی به‌جامانده از شهرهای تاریخی ایران است که در دل خود آثار مهم‌ترین شهر قرون اولیه هجری را نهفته دارد. تنها بخش‌های اندکی از این شهر مهم، چون قسمت‌هایی از کهن‌ژد و عمارت هارونیه و مسجدی در جنوب آن که در سال‌های اخیر طی حفاری‌های سازمان میراث‌فرهنگی پایמה و کف‌سازی ارزشمند آن هویدا شده است را در دسترس داریم.

از اهمیت این شهر همین بس که بیش از ۴۵۰نفر از اندیشمندان، سیاستمداران، دانشمندان، ابداءو شعرای این دوران توسی‌اند. از جمله شارعین چهار فرقه مهم اسلامی نیز از این خطه‌اند. پس یک‌زیر خاک این محدوده، چنانکه در تجسس‌های سازمان میراث هم به اثبات رسیده، یکی از مهم‌ترین شهرهای این دوران نهفته است. بنا به‌دلایلی، از جمله تغییر مسیر آب، این شهر از قرن هفتم و هشتم هجری متروکه شده و برپایه عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۸ هیچ محل سکونتی در محدوده توس دیده نمی‌شود. با احداث مقبره فردوسی و رونقی که این فضا می‌گیرد، به مرور بافت‌های حاشیهای و آلونک‌نشینیی با استفاده از امکانات مقبره فردوسی از جمله راه و دیگر زیرساخت‌ها و نیز در آمد حاصل از گردشگری زایران مشهد (که تفرجگاه‌های محدودی از جمله مقبره فردوسی را داشته‌اند)، بافت حاشیه‌ای توس با سرعت بالایی گسترش می‌یابد. البته بر کسی پوشیده نیست که عامل اصلی آزمندی زمین‌پازان است. این امر باوجود هشدارهای کارشناسانه و حتی دستورات اکید بالاترین مقامات مملکت در حفظ حرمت ولای فردوسی، به‌عنوان حمله‌سرای ملی و باززنده‌کننده زبان فارسی و نیز جایگاه شهر توس به‌منایه مهم‌ترین و فرهنگی‌ترین شهر قرون اولیه هجری، اتفاق افتاده است.

متأسفانه ریشه همه این اتفاقات پرهزینه و آزاردهنده در کلسبکاری‌های فرومایه‌ای نهفته است که از دل زمین‌پس‌ازی و آزمندی زمینداران آن نواحی برمی‌خیزد و عدای آزمند و سودجو را نیز به این عرصه‌ها گسترده کرده است. کار این زمینداران با پشتیبانی در دولت‌های نهم و دهم به آنجا کشید که نه‌تنها زمین‌های داخل پاره را تا آنجا که توانستند خرد کردند و تبدیل به سکونتگاه‌های بی‌کیفیت حاشیه‌ای نمودند، که حتی تا پشت و دوارفور محدوده مقبره فردوسی و کناره‌های کهن‌ژد توس پیش رفتند بخش‌هایی از این بافت‌های حاشیه‌ای روی شهر تاریخی ساخته شده است. این ساخت‌وسازها در عمل هدف طرحی را که طی ۱۰سال گذشته با مزارت بسیار، طی یک روند بسیار سخت و پیچیده و زمانبر، برای گرفتن مصوبت قانونی، تهیه شده است و هدف آن احیای شهر تاریخی، فرهنگی توس و یک مجموعه باکیفیت گردشگری شامل: باغات، فضاهای دانشگاهی، پژوهشی، ورزشی، فرهنگی، موزه، یادمان‌های مفاخر توس، بازی‌ها و ورزش‌های سنتی و نیز فضای دانشگاهی مختص پژوهش شاهنامه، زبان فارسی، تاریخ حماسی ایران و هنرهای مربوط به این پشته‌نلو تاریخی فرهنگی ما بود. این کار ارزشمند را چه ارزان به عدای کاسیکار فروختیم.

***مدیرعامل مهتدین مشاور آمود**

مخبر الدوله

با ترنم تدبیر و ورزش نسیم

سیدمهدی تقوی

● اعتدال دهن بیدار و حساس ایرانی با درونمایه گوهر گرانبهای سلم و تسلیم اسلامی تغییر و تحول را علاوه و مدیرانه از اوج پرافتخار البرز تا انتهای امواج ناآرام خلیج همیشه فارس انتظار می‌کشید، به‌ویژه این تحول در جامعه فرهنگیان و نهاد آموزش‌وپرورش رنگی دیگر و دقتی متفاوت را طلب می‌کرد. آغاز این امید و شروع این دل‌واپسی در معرفی نام ماندنی مدیر آموزش‌وپرورش دوران سازندگی آقای محمدعلی نجفی و عدم‌تأیید ایشان به‌رغم محبوبیت کارایی و سوابق درخشان و به‌یادماندنی‌ای بود. اما با انتخاب آقای فانی، امیدها تقویت شد. وزیر آموزش‌وپرورش، فردی مسلط و مجرب است که نگاهی برترکیم به فرهنگیان داشته و مدغغدار معیشت آنان است. تحقق این اهداف، در فضایی آکنده، از بحران‌های مالی، تصدی اغلب پست‌های کلیدی توسط افراد غیرمتخصص، استخدام و گزینش غیر کارشناسی هزاران نیرو و... بسی دشوار است، آن هم در حالی که فعالان سیاسی، با حساسیت‌های روا و نلروای خود، انتصابات را زیر‌ذره بین برده‌اند و اختیار مسوولان را محدود کرده‌اند در این میان، فانی، در اولین گام، مدیر استان فارس را منصوب کرد؛ مدبری که تاکنون گرایش وی به تلقیق جوانگرایی و تجربه، توجه‌اش به نوسازی و عمران مکان‌های آموزشی، رفاهی و فرهنگی، نقدپذیری و اهمیت‌دهی به مشاوره و جلب تفکرات، بازتاب مثبتی داشته است. بدیهی است گزینش‌های کارآمد، نیازمند عبور از دالان‌های پرپیچ‌وخم تهدید، تطمیع، توقع و سهم‌خواهی‌هاست. گزینش مدیرانی توانمند در سطوح فرورتر استانی، مناطق، شهرستان‌ها و بخش‌ها و حتی جزئی‌تر از آن در آموزشگاه‌ها و مدارس اقمی نقاط کشور، از اهمیت فراوانی برخوردار است که باید امیدوار بود توسط مسوولان، ملاک عمل قرار گیرد.

*** کارشناس مدیریت آموزشی فارس**